

مدیریت نظامی

شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸

صص ۱-۴۴

## تبیین مفهوم راهبرد جنگ نامتقارن و

### عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی جنگ نامتقارن

Dehqan- Nabiollah

نبی اله دهقان<sup>۱</sup>

Moradi- Sha'ban

شعبان مرادی<sup>۲</sup>

#### چکیده

مفهوم راهبردی جنگ نامتقارن چیست؟ عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی راهبرد جنگ نامتقارن چیست؟

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و با هدف پاسخگویی به سؤالات بالا صورت گرفته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم راهبردی جنگ نامتقارن عبارت است از: استفاده از روش‌های نامتعارف و خلاقانه جهت ضربه زدن فیزیکی و روحی- روانی به طرف مقابل با تکیه بر بهره‌گیری از نقاط قوت خود و نقاط ضعف حریف در راستای تحمیل اراده خود به دشمن متخاصم.

۱- دکتری مدیریت بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی و مدرس دانشگاه هوایی شهید ستاری

۲- کارشناس ارشد مدیریت دولتی و مدرس دانشگاه هوایی شهید ستاری

همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به‌طور کلی عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی استراتژی جنگ نامتقارن عبارتست از: ۱- عوامل سازمانی که خود به دو دسته عوامل سخت افزاری و عوامل نرم افزاری تقسیم می‌شوند؛ ۲- عوامل محیطی که خود شامل بهره‌گیری از جغرافیای طبیعی و رسانه‌های تبلیغاتی می‌شود.

### واژگان کلیدی

راهبرد، جنگ نامتقارن، عوامل سخت افزاری، عوامل نرم افزاری، عوامل محیطی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Conceptualization of the Strategy of Asymmetric Warfare and Factors Affecting its Success and Efficiency

Dehqan- Nabiollah, PhD<sup>1</sup>

Moradi- Sha'ban, MA<sup>2</sup>

### Abstract

What does asymmetric warfare strategically mean? What are the effective factors on the success and efficiency of the strategy of asymmetric warfare?

As a library research, this study attempted to answer these questions .The findings revealed that asymmetric warfare strategically means: employment of unconventional and innovative methods to strike physically and mentally the enemy utilizing one's strengths and the enemy's weaknesses in imposing one's wills. Moreover, it was revealed that two main factors affect the success and efficiency of the strategy of asymmetry warfare including:

- 1- Organizational factors classified as both software and hardware sub-factors
- 2- Environmental factors including geographical and propaganda media.

**Key words:** Strategy- Asymmetric Warfare- Software and Hardware factors- Environmental factors

1 -Shahid Sattari Aviation University

2 - Lecturer at Shahid Sattari Aviation University

## مقدمه

الگوی تهدیدات جنگ سرد و الگوی اطلاعات جنگ سرد هر دو منسوخ شده‌اند. الگوی تلفیقی جدیدی به منظور رسیدن به مزیت نامتقارن در مواجهه با تهدیدات غیرمتعارف و غیر سنتی برای مقابله با منابع و روش‌های تهدیدات سنتی و غیر سنتی ضروری است. (استیل، ۲۰۰۲)

الگوی تهدیدات قدیمی بر کاربرد راهبرد اتمی نیروی متعارف و سنتی وابسته به دولت با قوانین و فرامین ایستا و با ثبات نبرد، توسعه خطی و صف آزایی طی زمان تأکید داشت و از دکترین و قوانین درگیری شناخته شده‌ای استفاده می‌کرد که تحرکات آن به راحتی با ابزارهای اطلاعاتی عام قابل تشخیص بود. در مقابل، الگوی تهدیدات جدید به طور معمول غیردولتی، غیرمتعارف، پویا، تصادفی و غیرخطی در پیدایش و ظهور و بدون محدودیت یا قوانین درگیری است. آن دکترین ناشناخته و تقریباً غیرقابل پیش‌بینی است. (همان منبع)

اطلاعات قدیم به شدت بر مخفی بودن و سیستم‌های فنی پر هزینه بر علیه یک هدف اصلی، که دولت شوروی سابق بود، اتکا داشت. بین حفاظت اطلاعات نظامی و ملی رابطه مشترک اطلاعاتی وجود داشت و هر دو مبتنی بر پنهان کاری و اشتراک متقابل بود. الگوی اطلاعاتی جدید بایستی پذیرفته شده و با انفجار اطلاعاتی، به ویژه با انفجار اطلاعات دیجیتال چند زبانه، منطبق شود. همچنین افسران نظامی آموزش دیده مناطق خارجی (FAO) مدیریت لازم را به منظور دستیابی به واقعیات روی زمین، از طریق مشاهده مستقیم اعمال نمایند. هنر اطلاعاتی جدید نیازمند دانش تلفیقی کاملاً تکامل یافته در چهار بعد به شرح زیر است:

- ۱- بهره‌گیری از درس‌های تاریخی است؛ ۲- گسترش ابزارهای مبتنی بر وب به منظور نیل به پوشش خبری جهانی؛ ۳- مهار قابلیت و امکان توزیع و پخش اطلاعات همه ملل؛ ۴- به کارگیری مأموران مخفی و امنیتی به منظور تأثیرگذاری مؤثر است.

همه اینها بیانگر دنیای نامتقارن است و صرفاً یک بخش آن مخفی است. از ویژگی‌های جنگ‌های امروزی وسعت صحنه‌های نبرد، اطلاعات گسترده و ارتباطات سریع، دقت، تحرک و تغییرات سریع در وضعیت نیروها و صحنه‌های نبرد است که موجب گردیده تا سیاستگذاران و فرماندهان نظامی در کشورهای پیشرفته جهان برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل دفاعی و امنیتی کشور و تدوین استراتژی‌های مربوطه در نظام مدیریت راهبردی دفاعی امنیتی خود از یک فرآیند اصولی و عقلایی پیروی کنند. (دانش آشتیانی، ۱۳۸۰)

حیله به نقاط ضعف دشمن با ابزارهای ناشناخته و ابتکاری و در عین حال اجتناب از درگیر شدن در نقاط قوت دشمن را جنگ نامتقارن می‌گویند. (هیوز، ۱۹۹۸)

عمدتاً مفهوم عدم تقارن بر محور اختلاف فاحش و فزاینده توانمندی‌های متعارف نظامی میان ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش از یک سو و دشمنان این کشور؛ مانند رژیم صدام و گروه القاعده از سوی دیگر دور می‌زند. به‌طور کلی کشورهای درحال توسعه و سازمان‌های تروریستی، نه توانمندی‌های لازم را برای تضمین پیروزی در یک نبرد متعارف و متقارن نظامی با ایالات متحده در اختیار دارند و نه از عهده تأمین چنین توانمندی‌هایی بر می‌آیند. در نتیجه تنها گزینه آنها غلبه بر برتری ایالات متحده از طریق اجتناب از رویارویی مستقیم با نیروهای مسلح است و به جای آن، با کاربرد راهبردهای نامتعارف یا نامتقارن، بر نقاط ضعف سیاسی و نظامی مهم این کشور متمرکز می‌شوند.

اغلب گفته می‌شود که یکی از نقاط ضعف مهم غربی‌ها، حساسیت آنها نسبت به تلفات انسانی، اعم از نیروی انسانی خودی و غیرنظامیان و نیروهای نظامی دشمن، به‌ویژه هنگام در خطر بودن منافع غیرحیاتی غرب است. (فیروزی، ۱۳۸۷)

بحث نبرد نامتقارن در اواخر قرن بیستم در ادبیات نظامی مطرح گردد. بعد از طرح موضوع آرام آرام مباحث و تعریف‌های نبرد نامتقارن و کارکرد و اصول حاکم بر این نبرد ارائه شد. در تاریخ معاصر و سالیان اخیر این موضوع وسعت و عمق بیشتری پیدا

کرده و در مراکز علمی و آموزشی بحث نبرد نامتقارن مورد توجه فوق‌العاده‌ای قرار گرفته است. ما مصادیق نبرد نامتقارن را در چند مقطع حساس، از جمله دفاع مقدس و نبرد ۳۳ روزه حزب الله در برابر ارتش صهیونیستی تجربه کرده‌ایم و ظاهراً نبرد ما در آینده نبرد نامتقارن خواهد بود.

ساختار این مقاله از چهار بخش اساسی تشکیل شده است: بخش اول روش‌شناسی، رویکرد و سطح تجزیه و تحلیل تحقیق؛ بخش دوم ادبیات تحقیق و بخش سوم نتیجه‌گیری و جمع‌بندی.

### روش‌شناسی، رویکرد و سطح تجزیه و تحلیل تحقیق

این تحقیق با روش مطالعه نظری یا کتابخانه‌ای انجام گرفته است و ادبیات نظری تعدادی از مقالات و کتاب‌ها را با یکدیگر ترکیب نموده است.

مباحث و ادبیات مدیریت نظامی به دو بخش متقارن و نامتقارن قابل تفکیک است. رویکرد نامتقارن در کلیه سطوح جنگ اعم از راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی به کار گرفته می‌شود ولی باید توجه داشت که مؤثرترین رویکرد نامتقارن، شیوه‌ای است که بالاترین تأثیر راهبردی را داراست؛ یعنی با کاری در سطح عملیاتی و تاکتیکی توانسته نقش و تأثیری راهبردی که همان تحقق اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی است را برجا گذارد. رویکرد این تحقیق، رویکرد راهبردی نامتقارن است.

مباحث مدیریت نظامی (اعم از متقارن و نامتقارن) در دو سطح کلان (سازمانی) و خرد (فردی) قابل بررسی است. این تحقیق بر دو سطح کلان و خرد تمرکز دارد؛ یعنی تلاش می‌کند ابعاد کلان سازمان (ساختار، فرهنگ و فناوری و...)؛ ابعاد خرد سازمان (نیروی انسانی و رهبری و فرماندهی) و تأثیر آن بر راهبرد جنگ نامتقارن را بررسی نموده و رهنمودهایی را برای طراحی، ایجاد و اجرای راهبرد جنگ نامتقارن ارائه نماید.

### ادبیات تحقیق (مبانی علمی و نظری)

#### الف- تعریف مفهوم استراتژی جنگ نامتقارن

برای تعریف مفهوم راهبرد جنگ نامتقارن می‌توان با بررسی مفاهیم و تعاریف اجزای تشکیل دهنده این مفهوم؛ یعنی راهبرد، جنگ و نامتقارن به تعریفی منسجم، یکپارچه و کاربردی دست یافت.

#### ب - مفاهیم، تعاریف و کارکرد راهبرد

راهبردی، یک واژه قدیمی است. سابقه مفاهیم «راهبردی» به ۳۴۰ سال قبل از میلاد مسیح<sup>(۴)</sup> باز می‌گردد. قدیمی‌ترین اثری که در این مورد وجود دارد نظریات ژنرال چینی سان تزو (SUN TZU) در کتاب جاودانه «هنر جنگ» است. وی در این کتاب چگونگی استفاده از مفاهیم راهبردی برای غلبه بر دشمن را تشریح کرده است. (غفاریان و علی احمدی، ۱۳۸۱)

اصل کلمه استراتژی لاتینی است و بیشتر کاربرد نظامی و سیاسی دارد، گرچه امروزه وارد ادبیات کسب و کار نیز شده است. به شیوه حرکت نیروهای نظامی، «استراتژی» می‌گویند. استراتژی از کلمه یونانی strategos مرکب از stratos به معنای ارتش و ego به معنی رهبر گرفته شده است. (کردنایج، ۱۳۸۵)

راهبردی از نظر ریشه به دو منشأ ربط داده می‌شود: ۱- کلمه لاتین stratum به معنی راه، خط یا مسیر؛ ۲- کلمه strategos که نام یک ژنرال قدیمی یونان است.

استراتژی از واژه strategeia گرفته شده و به معنی هنر و علمی بود که امیران ارتش، افسران ارشد یا امیران یونانی می‌بایست با آگاهی از آن ارتش یا سپاه را رهبری کنند؛ سرزمینی را بگیرند، آن را حفظ نمایند، دشمن را از بین ببرند و غیره. پس این واژه وارد زبان انگلیسی شده و به معنی خط مشی، مسیر، نوع عملیات نظامی و جنگی، یا شیوه سیاستی یک حکومت گفته می‌شود. (کردنایج، ۱۳۸۵)

راهبرد واژه‌ای عمومی است که به طور اعم، به معنی صنعت و هنر و در زبان یونانی به معنی حيله و نیرنگ است. راهبرد عبارت است از هنر و علم توسعه دادن و به کار بردن یا تهدید به وسیله نیروهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و نظامی یک ملت برای رسیدن به اهداف ملی در زمان صلح یا جنگ. (رستمی، ۱۳۷۸)

### الگوهای راهبرد و برنامه‌ریزی راهبردی

تفکرات، تصورات و فرضیات مختلفی در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی از سوی صاحب‌نظران این رشته، در قالب الگوهای شکل‌گیری استراتژی و برنامه‌ریزی راهبردی مطرح شده که مخالفان و موافقان بسیاری نیز در این زمینه به اظهار نظر پرداختند.

بررسی این‌گونه نظریات حاکی از آن است که درکی روشن و تصویری واحد از موضوع شکل‌گیری راهبرد و فرایند برنامه‌ریزی راهبردی وجود ندارد. با این حال می‌توان نگرش‌های مختلف را در این خصوص از یکدیگر متمایز ساخت.

به طور کلی دو دسته نگرش یا الگو نسبت به استراتژی و برنامه‌ریزی استراتژیک وجود دارد:

### الگوی تجویزی/پیش‌تدبیری

این الگو معتقد به طراحی رسمی و پیش‌بینی تدابیر تحلیلی برای تحقق هدف‌های بلند مدت است؛ به عبارت دیگر طرفداران این الگو، شکل‌گیری استراتژی را فرایند مشخص، قابل پیش‌بینی و توأم با تدابیر تحلیلی و علت و معلولی می‌پندارند.

در ادامه نمونه‌هایی از تعاریف استراتژی، که متأثر از الگوی تجویزی (پیش‌تدبیری) است، بیان می‌گردد.

استراتژی در ادبیات نظامی عبارت است از:

- هنر پیش بردن و هدایت عملیات‌ها؛



- به کارگیری رزم به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف جنگ؛
- هدایت جنگ به عنوان هنر به کارگیری همه قدرت کشور برای دستیابی به پیروزی (یزدان پناه، ۱۳۸۶)؛
- هنر آرایش (طراحی) و رهبری (فرماندهی) عملیاتی است که ارتش در یک جنگ بدان‌ها مبادرت خواهد کرد (کردنایج، ۱۳۸۵)؛
- ایجاد طرحی مقدماتی برای جنگ، شکل‌دهی عملیات منفرد و تصمیم‌گیری برای نبردهای منفرد (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۵)؛
- تهیه پیش‌نویس طرح جنگ، شکل‌دهی مبارزات و اقدامات فردی در درون این طرح و تصمیم‌گیری در مورد برخوردهای فردی (کویین و میتزبرگ، ۱۹۹۴)؛
- علم و هنر فرماندهی برای طرح‌ریزی و هدایت عملیات نیروهای مسلح کشور برای تحقق اهداف ملی (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۸)؛

عمده تعاریف استراتژی در این الگو استراتژی را به عنوان طرح، برنامه و یا نقشه در نظر می‌گیرد. به عبارت دیگر در این الگو استراتژی نوعی کار آگاهانه و یا مجموعه‌ای از رهنمودها است که برای مقابله با وضعیت و یا رخدادی خاص در آینده، پیش‌بینی می‌شود.

تعاریف بالا همگی مبتنی بر ادبیات کلاسیک علوم نظامی یا قابل استفاده در جنگ‌های متقارن و برای ارتش‌ها و نیروهای نظامی کلاسیک است که معمولاً دو طرف از قدرت نظامی تقریباً برابری برخوردار هستند. بر مبنای این الگوی فکری، تنظیم راهبرد فرآیندی عقلانی است که دیدگاهی خطی یا طولی را پیشنهاد می‌کند.

شرایط سازمان‌هایی که این الگو بر آنها حاکم است با ویژگی‌هایی نظیر ثبات نسبی، تغییرات ساده و خطی و متغیرهای محیطی پیوسته قابل توصیف است. در این شرایط پیش‌بینی روند آینده امری امکان‌پذیر است. رویکردهای کلاسیک فردا را امتداد روند

امروز می‌دانند و در آن تلفیق بین عوامل داخلی و محیطی (آینده) برای دستیابی به یک راهبرد اثربخش کافی تصور می‌شود.

محیط متغیر و پرتلاطم امروز نسبت به دوران شکل‌گیری رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی (دهه ۱۹۶۰) تغییرات عمده‌ای یافته است. از بین رفتن قدرت پیش‌بینی بلند مدت، تغییر پی‌درپی الگوها و برهم خوردن حیطه‌بندی رقابتی برخی از نمونه‌های بارز دوران جدید است. رویکردهای کلاسیک راهبردی برای شرایط به مراتب ساده‌تری از این معماری تنظیم شده است و در پاسخگویی به این پیچیدگی‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهد. در نقطه مقابل، رویکردهای نوین راهبردی با خصوصیات متناسب با این محیط متولد شده‌اند.

### الگو توصیفی/تجربی - انطباقی

جهان در حال تغییر و تحول است. سرعت تغییر در روزگار ما بیشتر از هر زمان دیگر در تاریخ زندگی بشر است. سازمان‌ها و جوامع نه تنها برای کسب سرآمدی بلکه برای بقا باید متناسب با تغییرهای جهان تغییر کنند؛ سازمان‌ها و جوامعی که توان تغییر مناسب را نداشته باشند نسبت به سایر مجموعه‌های مشابه خود ضعیف شده یا از بین می‌روند (سنگه، ۱۳۸۳). محیط قرن بیست و یکم را با خصوصیات: تغییرات ویران‌ساز، فرصت‌های زودگذر، عدم قطعیت و بی‌نظمی توصیف می‌کنند. لذا علاقمندان این الگو، تغییرات سریع، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی محیط را عاملی می‌دانند که به شدت اثربخشی الگو تجویزی را تحت الشعاع قرار می‌دهد (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۵)؛ به عبارت دیگر عوامل محیطی بی‌ثبات و غیرتکراری، تغییرات پیچیده و غیرخطی و جهش‌های خارج از روند، پیش‌بینی آینده را دشوار و حتی غیرممکن ساخته است.

(غفاریان و علی احمدی، ۱۳۸۱)

در چنین شرایطی، رویکردهای کلاسیک راهبردی کارایی خود را از دست می‌دهد و رویکردهای جدید در قالب الگوی جدید با عنوان «الگوی توصیفی» به وجود می‌آیند. (غفاریان و علی احمدی، ۱۳۸۱)

در الگوی توصیفی تأکید بر اقدام به موقع و منطبق با شرایط جاری و تقریباً اعمال تدابیر غیر رسمی و خلق الساعه است؛ به عبارت دیگر طرفداران این الگو معتقد به اعمال تدابیر غیر رسمی، اقتضایی و خلق الساعه می‌باشند. (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۵)

نمونه‌هایی از تعاریف استراتژی که متأثر از الگوی توصیفی است:

- تفکر و اقدام راهبردی (در مقایسه با تفکر تاکتیکی و عملیاتی) به فعل و انفعالات و موفقیت کل مجموعه توجه دارد نه یک بخش از مجموعه؛
- در مدیریت راهبردی تأکید بر تفکر و اقدام به موقع است نه داشتن یک برنامه آماده و حجیم راهبردی؛
- مدیریت راهبردی یک فرایند تصمیم‌گیری متکی بر آزمایش و تجربه است؛ (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۵)
- راهبرد اثربخش، یک پدیدهٔ خلاقانه است که انسان‌ها سازنده آن هستند، نه فرایندهای برنامه‌ریزی؛
- هر راهبردی یک نوآوری است. (کوین و میتزبرگ، ۱۹۹۴)

هنری میتزبرگ یکی از بزرگترین تأثیرگذاران در ظهور رویکردهای نوین راهبردی بوده است. وی یادگیری را یک رکن راهبردی می‌داند و ماهیت حرکت راهبردی را چرخه‌ای از «حرکت - یادگیری - جهت‌گیری» عنوان می‌کند. (غفاریان و علی احمدی، ۱۳۸۱)

با کمی تأمل در تعاریف بالا مشخص می‌گردد که ادبیات این الگوها با ادبیات جنگ نامتقارن، هماهنگی بیشتری نسبت به ادبیات جنگ متقارن دارد؛ چون محیط حاکم بر

این الگو همچون جنگ نامتقارن به شدت در حال تغییر و تحول است و هر لحظه امکان اتفاق جدید وجود دارد.

در دوران جنگ سرد، جنگ نامتقارن بخش مهمی از تفکر راهبردی ایالات متحده بود، هر چند که با این نام خوانده نمی‌شد. (متز و جانسون، ۲۰۰۱)

### پ- مفهوم و تعریف جنگ

آلن بیرو در کتاب «فرهنگ علوم اجتماعی» جنگ را چنین توصیف می‌کند: War واژه‌ای است از ریشه آلمانی Werra به معنای آزمون نیرو با استفاده از اسلحه بین ملت‌ها (جنگ خارجی)، یا گروه‌های رقیب در داخل یک کشور (جنگ داخلی). هدف از جنگ، پیروزی بر رقیب برای ملزم ساختن او به انقیاد تام است. یک کشور یا به‌منظور به دست آوردن زمین و مایملک دشمن به جنگ می‌پردازد، یا برای به کرسی نشاندن ادعاهایش و یا برای دفاع از خود در برابر ادعاهای دیگران (کالدو و دیرکله، ۱۳۸۷).

کلاوزویتز جنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: «اقدامی خشونت‌آمیز برای وادار کردن دشمن به انجام خواسته‌های ما». بر اساس تعریف کلاوزویتز، جنگ یعنی جنگ بین حکومت‌ها برای رسیدن به یک هدف سیاسی قابل تعریف که همانا منافع شخصی است. (همان منبع)

اگر هدف از جنگ را «تحمیل اراده خود بر دشمن» فرض کنیم، تا مادامی که دشمن در دستیابی به اهدافش ناکام مانده باشد، در آن صورت می‌توان فرض کرد که در راستای تأمین هدف جنگ حرکت کرده‌ایم. (حبیبی، ۱۳۸۶)

سان تزو، جنگ را تحمیل اراده خود بر دشمن، وادار کردن او به پراکنده شدن و کسب دائم اطلاعات از دشمن قلمداد کرده و در واقع جنگ را برخورد دو اراده می‌داند. (متفکر، ۱۳۸۱)

## مفهوم جنگ از دیدگاه حقوق بین الملل

### ۱- جنگ، توسل به زور

جنگ یکی از جلوه‌های بارز توسل به زور است. فرهنگ اصطلاحات حقوق بین‌الملل، توسل به زور را به دو صورت مضیق و موسع تعریف کرده است. توسل به زور در مفهوم نخست، عبارت است از هرگونه عمل قهرآمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد نمود اما در مفهوم دوم، کلیه تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را شامل می‌شود.

### ۲- تعریف جنگ

جنگ یک پدیده آسیب شناسی اجتماعی و عامل تغییر شکل سیاسی است که می‌توان آن را از لحاظ تاریخی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، جامعه شناسی و غیره مورد مطالعه و بررسی قرار داد. در حقوق بین‌الملل، جنگ شیوه اجبار همراه با اعمال قدرت و زور است که می‌توان آن را از نظر حقوقی چنین تعریف نمود:

جنگ به عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها (دو یا چند کشور) روی می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با یکدیگر و همچنین با کشورهای دیگر می‌شود. در این جهت، حداقل یکی از طرفین مخاصمه در صدد تحمیل نقطه نظرهای سیاسی خویش بر دیگری است. به این ترتیب، عملیات قهرآمیز مسلحانه وسیله و هدف تحمیل اراده مهاجم است. از تعریف ارائه شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفهوم حقوقی جنگ شامل چهار عنصر یا رکن اساسی است:

عنصر تشکیلاتی و سازمانی (کشورها)، عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه)، عنصر معنوی یا روان‌شناسی (قصد و نیت جنگ) و سرانجام هدفدار بودن جنگ. (منافع و مصالح ملی)

### ۳- عناصر سازنده مفهوم حقوقی جنگ

عنصر تشکیلاتی و سازمانی (ارگانیکی): یکی از عناصر اساسی سازنده مفهوم جنگ، عنصر تشکیلاتی و سازمانی (کشورها) هستند. جنگ مستلزم نبرد نیروهای مسلح کشورها با یکدیگر است؛ از این رو، جنگ به عنوان نوعی رابطه کشور با کشور تلقی می‌شود.

عنصر مادی (اعمال قدرت مسلحانه): عنصر دیگر جنگ، عنصر مادی است و آن اعمال قدرت یا خشونت مسلحانه واقعی و عملی می‌باشد؛ به عبارت دیگر جنگ همواره با عملیات و اقدامات قهرآمیز مسلحانه همراه است که نیروهای مسلح کشورهای متخاصم، آن را با فرماندهی، اقتدار و مسئولیت انجام می‌دهند.

عنصر معنوی یا روان‌شناسی (قصد و نیت جنگ): عنصر سوم جنگ، عنصری معنوی یا روان‌شناسی است و آن اراده قطعی یکی از طرفین متخاصم است؛ زیرا جنگ بدون قصد و نیت، معنی و مفهومی ندارد.

هدفدار بودن جنگ (منافع و مصالح ملی): عنصر چهارم جنگ، مشخص بودن جهت و غایت جنگ است؛ یعنی کشور آغازگر جنگ هدفی معین و نهایی دارد که همواره در صدد پیگیری و نیل به آن است. این هدف معمولاً تحمیل یا قبولاندن یک نقطه نظر سیاسی و یا به عبارت روشن‌تر یک منظور و هدف ملی است. در واقع کشور مهاجم مدعی است جنگی که آغاز کرده براساس منافع و مصالح ملی بوده است.

### ت- تعاریف جنگ نامتقارن

در اصطلاح نظامی وقتی دو نیروی متخاصم که در برابر هم صف آرایی کرده‌اند از لحاظ فناوری، اطلاعات، آموزش و روحیه در وضعیتی نابرابر و ناهمگون قرار گرفته باشند، به گونه‌ای که طرف قوی‌تر از قابلیت‌ها، مقدرات، توانمندی‌های آفندی و دفاعی با کارایی رزمی بالا و تحرکات تاکتیکی مناسب‌تر برخوردار باشد، جنگ نامتقارن اطلاق می‌شود. (حبیبی، ۱۳۸۶)

نبرد نامتقارن وضعیتی را بیان می‌کند که دو طرف متخاصم، قدرت نابرابری داشته و از مزیت‌ها و ضعف‌های قدرت نسبی خود بهره‌گیری می‌کنند. این کنش اغلب راهبردها و تاکتیک‌های حاشیه نبرد متعارف را شامل می‌شود. (دریابار، ۱۳۸۷)

استراتژیست‌ها، جنگ نامتقارن را نبردی که از حالت هنجار و قاعده طبیعی خارج شده و در آن از روشی غیرمستقیم برای تأثیرگذاری بر یک نیروی نامتعادل استفاده می‌کنند، تعریف کرده‌اند. (حبیبی، ۱۳۸۶)

جنگ نامتقارن استراتژیک به استفاده از تفاوت‌ها جهت کسب برتری و غلبه بر حریف اطلاق می‌گردد. (متز و جانسون، ۲۰۰۱)

کینت مکنزی در کتابش با عنوان «جنگ نامتقارن» جنگ نامتقارن را این‌گونه تعریف کرده است:

«به‌کارگیری رویکردهای غیر قابل پیش بینی یا غیرمتعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای روحی دشمن با تکیه بر نقاط قوت خود و بهره برداری از نقاط ضعف او از طریق فناوری غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه». (حبیبی، ۱۳۸۶)

با اینکه جنگ نامتقارن دامنه گسترده‌ای از نظریه، تجربه، حدس و گمان، تعاریف را در بر می‌گیرد، اما بنیاد اصلی یا پیش‌فرض ضمنی آن ناشناخته بودن آن است که موجب شگفتی در نتایج، روش‌ها و ابزارها می‌شود. (نشریه ارتش آمریکا، ۲۰۰۳)

اصل نبرد، نبرد نامتوازن و ناهمتراز است. یک طرف فناوری برتر و تسلیحات پیشرفته‌تر دارد و طرف مقابل از آن امکانات برخوردار نیست، ولی از نقاط قوت دیگری برخوردار است. طرف برتر در عین داشتن قدرت، دارای نقاط ضعف خاصی است. در مجموع شناسایی نقاط قوت و ضعف دشمن، شناسایی امکانات قابل افزایش جبهه خودی، تکیه بر آن امکانات و بهره‌گیری از تکنیک و تاکتیک و مسائل مختلف نبرد در نتیجه «نبرد نامتقارن» است. (حبیبی، ۱۳۸۶)

رویکرد نامتقارن از فناوری‌ها، سلاح‌ها، تاکتیک‌های خلاقانه و غیر سستی در تمامی سطوح جنگ (استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی) در طیفی از عملیات ارتش استفاده می‌کند. (متز و جانسون، ۲۰۰۱)

سازمان جاسوسی امریکا (CIA) نبرد ناهمتراز را چنین تعریف نموده است:

کاربرد راهبرد نوآورانه، تاکتیک‌ها و فناوری‌ها توسط یک دولت مستقل یا وابسته ضعیف‌تر، به منظور دوری جستن از نقاط قوت دشمن و بهره‌گیری از نقاط ضعف بالقوه حریف که دارای توانمندی و برتری فناوری است. این تعریف شامل:

۱- استفاده گزینشی از سلاح‌ها یا منابع نظامی به وسیله دولت یا گروهی از دولت‌های غیر مستقل جهت پاسخگویی، بازدارندگی، پیروزی احتمالی از نظر نفرات یا نیروی فناوری برتر.

۲- کاربرد دیپلماتیک و سایر منابع غیر نظامی یا تاکتیک‌ها به وسیله یک دولت یا گروهی از دولت‌های غیر مستقل، به منظور مایوس کردن یا جلوگیری از عملیات نظامی توسط نیروهای برتر. (کایلر، ۲۰۰۵)

تعریف جامع و کلی از «جنگ راهبردی نامتقارن» عبارت است از: در امور نظامی و امنیت ملی نامتقارن؛ یعنی تلاش، سازماندهی و تفکر متفاوت از حریف در جهت حداکثرسازی مزیت‌های خودی، بهره‌گیری از نقاط ضعف حریف، کسب ابتکار عمل یا آزادی عمل بیشتر که می‌تواند سیاسی - راهبردی، نظامی - راهبردی، عملیاتی و یا



ترکیبی از اینها باشد. همچنین می‌تواند فناوری‌ها، شیوه‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، دیدگاه‌های زمانی متفاوت یا ترکیبی از اینها را در بر گیرد. همچنین می‌تواند مثبت یا منفی، کوتاه مدت یا بلند مدت، پیش طراحی شده یا اتفاقی، گسسته یا پیوسته و یا مادی یا روانی باشد. (متز و جانسون، ۲۰۰۱)

### ث- تعریف استراتژی جنگ نامتقارن

با توجه به مفهوم استراتژی (خلق و کسب برتری از طریق استفاده از فرصت‌ها و رفع تهدیدات با قابلیت‌ها و توانایی‌های داخلی) و جنگ (قدرت تحمیل اراده خود بر دشمن) و نامتقارن (استفاده از شیوه‌های خلاق و نامتعارف در جهت حداکثرسازی مزیت‌های خودی، بهره‌گیری از نقاط ضعف حریف، کسب ابتکار عمل یا آزادی عمل بیشتر) استراتژی جنگ نامتقارن را می‌توان چنین تعریف کرد:

استفاده از روش‌های نامتعارف و خلاقانه جهت ضربه زدن فیزیکی و روحی-روانی به طرف مقابل با تکیه بر بهره‌گیری از نقاط قوت خود و نقاط ضعف حریف در راستای تحمیل اراده خود به دشمن متخاصم.

سیاست‌گذاران نظامی و دفاعی کشورها، جنگ نامتقارن را به عنوان یک راهبرد یا تاکتیک و یا حتی یک روش جنگی غافلگیر کننده فهمیده و پذیرفته‌اند (حبیبی، ۱۳۸۶).

اساس تقسیم‌بندی‌های راهبردی در نبرد نامتقارن، توجه به این نکته است که قدرت، پدیده‌ای نسبی و وابسته به موقعیت‌هایی از قبیل: زمان، مکان، سرعت و شرایط خاص است که همه آنها به عنوان اجزای بغرنج و پیچیده غیر قابل تعریف و تشخیص برای کسب برتری و قدرت در شرایط مختلف است. طرفی که در وضعیت ضعیف‌تر براساس «تئوری برتر تکنولوژیکی» قرار دارد، می‌تواند حالت توازن و تعادل را با هوشیاری بالا و خلاقیت، غافلگیری، قابلیت انعطاف، طبق «تئوری هوش سرشار» ایجاد نماید و این اساس و کلید برتری در یک جنگ نامتقارن است. (حبیبی، ۱۳۸۶)

### ج- اهداف جنگ نامتقارن

- ایجاد غافلگیری در سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی؛
  - دستیابی به تأثیرات روانی و میل و اراده جنگجویی دشمن؛
  - پیگیری فروپاشی ساختارهای اقتدار دولت با کمترین هزینه؛
  - استفاده از تسلیحات و سلاح متفاوت با شیوه‌های مرسوم عملیاتی دشمن؛
  - اتخاذ شیوه‌های ابتکاری که دشمن نتواند خود را با آنها هماهنگ یا تطبیق دهد.
- (حبیبی، ۱۳۸۶)

### ج- اصول حاکم در نبرد نامتقارن

- اصولی که در نبرد نامتقارن مطرح می‌کنند عبارتند از:
- ۱- تحرک و واکنش سریع (سرعت عمل چه در حالت قبل از حمله دشمن یا در حین حمله یا بعد از حمله)؛
  - ۲- خوداتکایی و استقلال رزمی (در سطح کلان و تولید سخت افزاری یا در قلمرو اجرایی و محدود)؛
  - ۳- قابلیت استمرار: در جبهه حزب الله، روستای «عبت الشعب» چندین بار بمباران شد و در طول ۲۲ روز محاصره هیچ ارتباطی با این روستا نبود؛ حتی جبهه خودی نمی‌دانست که ساکنان روستا در چه وضعی هستند و احتمال می‌دادند که همگی کشته یا به اسارت گرفته شده‌اند، ولی بعد از ۱۸ روز یک ارتباط ضعیفی برقرار شد و بعد از ۲۲ روز، ارتش اسرائیل با یقین به اینکه در این روستا جنبنده‌ای نیست وارد این روستا شد. اما رزمندگان حزب‌الله از سنگرها بیرون آمده و با دشمن مقابله کردند. این نمونه‌ای از قابلیت استمرار است.
  - ۴- بومی‌سازی تسلیحات و تجهیزات؛
  - ۵- چند منظوره بودن (یک نیرو چند نوع مهارت داشته باشد): امروز سپاه سه گرایشی است. اگر بخواهد مفهوم نبرد نامتقارن در سپاه پیاده شود، باید هر پاسدار

سه نوع گرایش داشته باشد: گروهی با رسته نظامی، جمعی با رسته فرهنگی و جمعی دیگر با رسته امنیتی؛ یعنی هر فردی در شرایط انجام وظیفه اگر چه رسته اولش نظامی است، اما در شرایط مقتضی باید بتواند وارد رسته‌های امنیتی یا فرهنگی شود. همین‌طور در سایر موارد، گسترش یک به سه باید در تمام رسته‌های مجموعه سپاه تسری یابد.

۶- نظم و انضباط انقلابی و تبعیت از دستورات تا حد نهایی؛

۷- توازن وحشت و عملیات روانی؛

۸- معنویت (مهمترین و زیر بنایی‌ترین اصل نبرد نامتقارن است).

معمولاً دوازده اصل برای جنگ نامتقارن ذکر می‌کنند. اما یکی از اصول مهم و اساسی و زیربنایی حاکم بر نبرد نامتقارن بحث «معنویت» است. معنویت ترکیبی از چند عنصر مهم است و باید به مؤلفه‌های آن توجه شود:

(۱) ایمان و بصیرت؛

(۲) ایجاد ظرفیت و انگیزه مقاومت در بدترین شرایط؛

(۳) تقویت روحیه جهادی و شهادت طلبی (سعیدی، ۱۳۸۶)

سرهنگ وانین اصول حاکم بر اقدامات جنگ نامتقارن را چنین بیان می‌کند: «فرماندهی و کنترل انعطاف‌پذیر، آموزش حرفه‌ای، سرعت عکس‌العمل، نیروی ضربت، تحرک بالا، کارایی، اهداف منتخب، انعطاف‌پذیری و وحدت یا یگانگی اقدام، مشروعیت و امنیت بدون شرط و شروط».

ح- مؤلفه‌های مؤثر بر استراتژی جنگ نامتقارن

چه مؤلفه‌هایی در نبرد نامتقارن تأثیرگذار هستند؟ ابزار و تجهیزات، فناوری و نیروی انسانی مؤلفه‌های مهمی است که در طراحی و شکل‌دهی نبرد نامتقارن تأثیرگذار هستند. در بخش نیروی انسانی چه عواملی تأثیرگذار است؟ مهارت‌ها، ابزار و تجهیزات انفرادی و از جمله معنویت و انگیزه عالی برای جنگیدن. (همان منبع)

حمله بر اساس جنگ نامتقارن مستلزم ساختاردهی جدید تلاش‌های نظامی‌گری، ابعاد جدید مکان و زمان، رویکرد جدید اصولی و راهبردی است. (سوسیلا، ۲۰۰۷)

به طور کلی دو دسته عوامل بر موفقیت و اثربخشی استراتژی جنگ نامتقارن تأثیر دارد: ابعاد یا عوامل سازمانی و ابعاد یا عوامل محیطی.

### ابعاد یا عوامل سازمانی

منظور از ابعاد یا عوامل سازمانی همان ابعاد محتوایی سازمان می‌باشند. ابعاد محتوایی معرف کل سازمان و جایگاه سازمان هستند. مهمترین ابعاد محتوایی سازمان عبارتند از: ساختار، راهبرد، فرهنگ و فناوری (دفت ۲۰۰۱)؛ این ابعاد را می‌توان به دو دسته کلی ابعاد یا مؤلفه‌های سخت‌افزاری و ابعاد یا مؤلفه‌های نرم‌افزاری تقسیم بندی نمود.

توجه به ابعاد محتوایی در هنگام طراحی و انتخاب راهبردهای جنگ نامتقارن، موفقیت و اثربخشی این راهبردها را بالا می‌برد.

### ۱- ابعاد (مؤلفه‌های) سخت‌افزاری

#### - راهبرد جنگ نامتقارن و ساختار سازمانی

سؤال اینجاست که برای موفقیت بیشتر یا اثربخشی بیشتر راهبرد جنگ نامتقارن چه ساختار سازمانی باید بر سازمان‌های نظامی حاکم باشد؟

ساختار سازمانی بیانگر شیوه و روشی است که بر اساس آن افراد و مشاغل در یک سازمان به نظم درآمد، به‌گونه‌ای که امکان انجام امور سازمانی فراهم می‌گردد (خیراندیش ۱۳۸۳). به عقیده پیتز دراکر، ساختار وسیله‌ای برای حصول به اهداف است. بنابراین هر نوع بحث و بررسی پیرامون ساختار باید با اهداف و راهبرد آغاز شود (الوانی، ۱۳۷۶).

نظریه پردازان سازمان دو نوع ساختار را مورد توجه قرار می‌دهند: ساختار فیزیکی و ساختار اجتماعی (هچ، ۲۰۰۶). ساختار فیزیکی مؤلفه‌ای نرم و ساختار اجتماعی

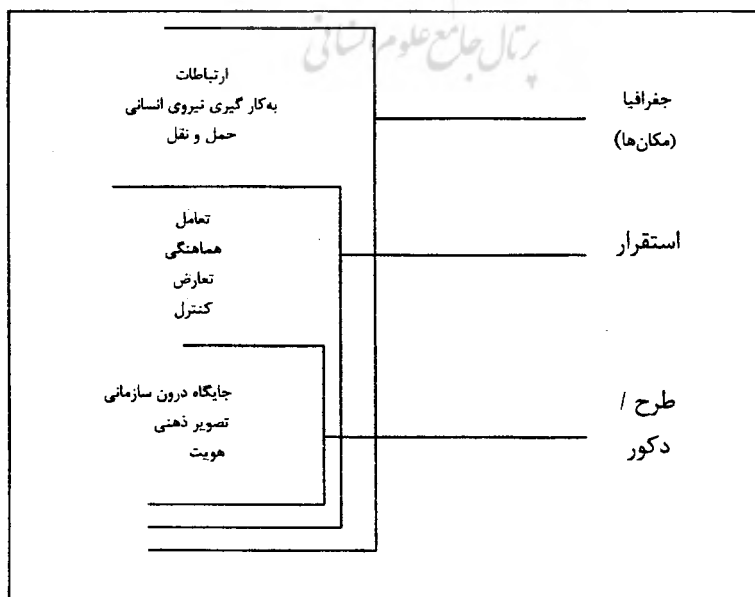
مؤلفه‌ای سخت است؛ بنابراین ساختار فیزیکی در این مقاله در زیر مجموعه مؤلفه‌های نرم و ساختار اجتماعی در زیر مجموعه مؤلفه‌های سخت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### - ساختار فیزیکی

ساختار فیزیکی به روابط بین عناصر فیزیکی سازمان نظیر ساختمان‌ها و مکان جغرافیایی استقرار آنها، اسباب و اثاثیه، تجهیزات، دکوراسیون و حتی جسم انسان‌ها اشاره دارد. کسب و کارها درون آنها انجام یا هدایت می‌شوند. در میان این عناصر روابط ویژه مورد توجه نظریه‌پردازان سازمان عبارتند از: جغرافیای سازمانی، چیدمان واحدها و طرح و دکور. در قاموس جغرافیا، سازمان موجودیتی فیزیکی است، یعنی در فضا و زمان وجود دارد.

بنابراین جغرافیای سازمان مرکب از همه نقاط موجود روی زمینی است که در آنجا سازمان کسب و کار خود را هدایت می‌کند. مفهوم ساختار فیزیکی و روابط آن با دیگر موضوعات بحث انگیز سازمانی در نمودار ۱ نشان داده شده است. (هچ، ۲۰۰۶)

نمودار ۱- مفهوم ساختار فیزیکی و ارتباط آن با دیگر مباحث سازمانی



یکی از عناصر غیرفیزیکی بسیار مؤثر و تأثیرگذار نبرد نامتقارن الگوهای مدیریت سازمان رزم واحدهای درگیر است. اینکه چگونه می‌توان به مدیریت مطلوب منابع انسانی و یا ساختار درختی مناسب و همین‌طور سلسله مراتب نیروهای عملیات نامتقارن دست یافت که قابلیت جذب، پرورش، آموزش و نگهداری نیروهای کارآمد را در یک جنگ با ماهیت عدم تقارن را داشته باشد، از مهمترین عناصر غیر مادی و غیرفیزیکی یک نبرد نامتقارن به شمار می‌رود. (حبیبی، ۱۳۸۶)

از دیدگاه برنز و استاکر (۱۹۶۱) انواع ساختار سازمانی عبارتند از: ساختار مکانیکی (ماشینی) و ساختار ارگانیکی. ساختارهای ماشینی به وسیله ویژگی‌هایی نظیر پیچیدگی و رسمیت زیاد و تمرکزگرایی شناخته می‌شوند. چنین ساختارهایی مناسب وظایف و فعالیت‌های تکراری بوده و تا حد زیادی به رفتارهای برنامه‌ریزی شده متکی هستند و در واکنش به رویدادهای پیش‌بینی نشده، به نسبت کند عمل می‌کردند. در مقابل ساختارهای ارگانیک به نسبت منعطف و انطباق‌پذیر بوده و تأکید بر روابط موازی به جای عمودی داشتند و نفوذ در آنها به جای اینکه بر مبنای اختیارات ناشی از پست سازمانی باشد بر اساس مهارت و دانش صورت می‌گرفت. به جای اینکه مسئولیت‌ها بر اساس شرح شغل باشد، به صورت انعطاف‌پذیر تعریف شده بودند و به جای تأکید بر صدور دستورات بر مبادله اطلاعات تأکید می‌شد.

ویژگی‌ها	ساختار ماشینی (مکانیکی)	ساختار ارگانیک (پویا)
تعریف وظیفه	خشک (بدوم انعطاف)	منعطف
ارتباطات	عمودی	افقی
رسمیت	زیاد	کم
نفوذ	مبتنی بر اختیار و قدرت سازمانی	بر اساس دانش و خبرگی یا تخصص
کنترل	متمرکز	متنوع

در ساختارهای ارگانیک، سازمان‌ها به عنوان پدیده‌های پیچیده و اجتماعی تصور می‌شوند که مجموعه‌ای از نیروهای رقیب و متعامل بین افراد و نیروهای اجتماعی آن را شکل می‌دهند. ریشه این تفاوت‌ها (در ساختار سازمانی) را می‌توان در هدف‌های متفاوت آنها جستجو نمود، زیرا اولی بیشتر در بستری متلاطم‌تر و بی‌ثبات‌تر فعالیت می‌کند و بدنبال انعطاف‌پذیری، خلاقیت و خلق دانش است؛ ولی دومی در پی کنترل و رهایی از عدم اطمینان و در محیط ایستا و با ثبات فعالیت می‌کند. (فروهمی، ۱۳۸۴)

با توجه به تعاریف، مفهوم و ویژگی‌های جنگ نامتقارن حصول به یک ساختار سازمانی مناسب، نبرد، در گرو میزان برخورداری آن از الگوی پیشنهادی زیر است. این ساختار و سازمان متناسب و مطلوب برای اهداف نبرد نامتقارن باید جدای از سازمان مرسوم و متداول نبردهای متعارف و کلاسیک بوده و مشتمل بر ویژگی‌های ذیل باشد:

الف- سیال، کم حجم و کارآمد: سازمانی که از حداقل سلسله مراتب عمودی و افقی، حداقل نیروی انسانی، حداقل تجهیزات و تسلیحات، سبکی و سادگی تجهیزات و تسلیحات برخوردار باشد.

ب- انعطاف‌پذیری یا قابلیت تطبیق با شرایط محیطی - زمانی و برخورداری از قابلیت انبساط و انقباض بدون تغییر در قابلیت‌های رزمی.

ج- واکنش سریع قابلیت ایجاد واکنش و عکس العمل در کوتاه‌ترین زمان ممکن در برابر دشمن.

د- تحرک بالا و پویایی فرماندهی و کنترل مطمئن سریع و ایمن. (حبیبی، ۱۳۸۶)

بنابراین می‌توان گفت که اثربخشی راهبردی جنگ نامتقارن مستلزم داشتن ساختارهای سازمانی پویا و منعطف است که تشویق‌کننده و ترغیب‌کننده خلاقیت و نوآوری است.

### - راهبرد جنگ نامتقارن و فناوری سازمانی

سؤال اینجاست که برای موفقیت بیشتر یا اثربخشی بیشتر راهبرد جنگ نامتقارن سازمان‌های نظامی باید از چه نوع فناوری برخوردار باشند؟

فناوری، روش انجام کار و ابزاری است که با آن به اهداف خود نایل می‌شویم. فناوری کاربرد عملی دانش و ابزاری به منظور کمک به تلاش انسان است (طارق خلیل، ۱۹۹۹). چالز پرو، فناوری را روشی که فرد برای ایجاد تغییر در شیء، مفهوم و یا مقصودی به کار می‌گیرد، تعریف کرده است، خواه این فرد از روش‌ها و ابزار مکانیکی بهره‌گیر، خواه نگیرد. (دفت، ۲۰۰۱)

منظور از فناوری در اینجا کلیه مواردی است که نیروها به عنوان تجهیزات و تسلیحات و با هدایت فرماندهان، در خدمت نبرد و در جهت پیشبرد اهداف نبرد مورد استفاده قرار می‌دهند. (حبیبی، ۱۳۸۶)

ویژگی‌های تسلیحات و تجهیزات مورد استفاده در نبرد نامتقارن به ترتیب زیر قابل بیان است:

- برخورداری از قابلیت متناسب با انجام مأموریت‌های محوله؛
- عدم پیچیدگی و سادگی در به کارگیری؛
- ایمن در مقابل آسیب‌پذیری تسلیحات دشمن؛
- قابل تأمین به وفور و در حد نیاز؛
- برد و شعاع عملیاتی کافی؛
- قابلیت مانور و تحرک در صحنه رزم؛
- حداقل آسیب‌پذیری در مقابل حملات دشمن؛
- قابلیت پاسخگویی متناسب با تهدیدات دشمن. (حبیبی، ۱۳۸۶)



## انواع فناوری

به طور کلی سه نوع فناوری وجود دارد: فناوری تولید، خدمات، اطلاعات (دفت، ۲۰۰۱)؛ از این بین فناوری اطلاعات دارای اهمیت ویژه است. در طول تاریخ، دکترین سازمان و راهبرد نظامی به خاطر خشکنی‌های انقلابی در فناوری دستخوش تغییرات عمیق شده‌اند. فناوری‌های نوین به صورت یک سلاح جدید، یک منبع انرژی جدید، یا یک وسیله ارتباطی جدید، همگی موجب شده‌اند که با اصلاح دکترین، سازمان و راهبرد نظامی، طرف مقابل از جنگ فرسایشی پرهیز کرده و در عوض به سبک نوین جنگ قاطع و سریع دسترسی داشته باشند. البته همان طور که اکثر تاریخ‌دانان تأکید می‌کنند، نفوذ فناوری نو لزوماً جنگ را متحول نمی‌کند بلکه آنچه اهمیت فوق‌العاده دارد، تغییر نگرش‌ها و منطق سازماندهی جنگ است. (اندیشگاه شریف، ۲۰۰۴)

این همان چالش‌هایی است که اخیراً ارتش‌های منظم جهان با آن روبه‌رو هستند و چنان شرایط سردرگم‌کننده‌ای را به وجود آورده که تحلیل‌گران امور نظامی بارها از ظهور نسل چهارم شیوه‌های جنگی سخن می‌گویند، به طوری که از ۳ نسل قبل متمایز است.

اولین نسل، آرایش خطی و ستونی نیروها بود که با جنگ‌های ناپلئونی منسوخ شد. نسل بعدی با ظهور مسلسل و توپخانه آغاز شد و با ابداع تانک و تولید انبوه هواپیماهای جنگی پایان یافت. از نسل دوم به بعد سلاح‌های کشتار جمعی که تلفات دشمن را به حداکثر می‌رسانند به کار گرفته شد. حد فاصل جنگ دوم جهانی تا عملیات اشغال عراق دوران رشد و توسعه روش‌های جنگ نسل سوم بود. توماس هامز، سرهنگ بازنشسته نیروی دریایی ارتش ایالات متحده، تأکید دارد اشغال عراق را باید نقطه پایانی نسل سوم شیوه‌ها و جنگ افزارهای جنگی دانست. به اعتقاد او نسل چهارم جنگ‌ها متضمن به کارگیری شیوه‌ها و شبکه‌های جنگی نامتمرکز خواهد بود. دوره‌ای که بیش از هر زمانی در گذشته عملیات جنگی را به فناوری متکی می‌کند. در

این شیوه غلبه بر نیروهای دشمن دنبال نمی‌شود بلکه در مقابل با یورش به ذهن و روان گروه‌های تصمیم‌گیرنده دشمن سعی می‌شود اراده سیاسی نیروی متخاصم درهم شکسته شود. (جام جم، ۱۳۸۶)

پیشرفت‌های فناوری اطلاعات صرفاً شیوه جنگیدن را متحول نمی‌کنند بلکه ماهیت و هدف از جنگ را نیز دستخوش تغییر می‌کنند. در واقع اینکه جنگ چگونه آغاز می‌شود، چگونه خاتمه می‌یابد، چه مدت طول می‌کشد، و چه افرادی در آن شرکت می‌کنند، همگی به خاطر فراگیر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات تغییر خواهند کرد. تغییرات مربوط به جریان اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی چالشی ویژه برای درک فضای آینده ایجاد می‌کنند. درجه پیچیدگی سیستم‌ها فقط به این خاطر که عوامل متعددی به صورت همزمان بر آنها تاثیر می‌گذارند، افزایش نمی‌یابد بلکه مهمتر اینکه بفهمیم عوامل مذکور چگونه با یکدیگر تعامل داشته و بر هم تاثیر متقابل می‌گذارند. بنابراین یک سیستم زمانی پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی، متشکل از اجزا و فرآیندهایی است که احتمالاً به صورت غیرخطی با یکدیگر تعامل دارند. جنگ از این لحاظ همیشه غیرخطی و بنابراین سیستمی پیچیده بوده است. در اغلب موارد یک اتفاق کوچک اثرات نامتناسب چشمگیری بر سازمان و ماشین جنگی خواهد گذاشت، چرا که از یک سو ما بر نحوه عملکرد ماشین‌ها تسلط کامل نداریم و از سوی دیگر انسان‌هایی که در محیط‌های فوق‌العاده تنش‌زا مانند جبهه نبرد فعالیت می‌کنند، ممکن است هر لحظه یک عمل پیش‌بینی‌نشده انجام دهند. امروزه با توجه به وجود حساسه‌ها، شبکه‌ها و سیستم‌های ارتباطی می‌توان اطلاعات فراوانی دربارهٔ صحنه نبرد کسب کرد و اقدامات یگان‌ها و سکوه‌های نظامی مستقل را بهتر هماهنگ کرد. اما همهٔ این پیشرفت‌ها باعث می‌شوند که سازمان نظامی و ماشین جنگی در لبهٔ بی‌نظمی و اغتشاش حرکت کند. (اندیشگاه شریف، ۲۰۰۴)

معمولاً استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تجهیزات راه میانبری برای افزایش کارایی تجهیزات و تسلیحات است. نکته شایان توجه در استفاده از فناوری‌های غیر بومی، به ویژه استفاده از سلاح‌ها و جنگ افزارهای ساخته شده، این است که کشور سازنده در زمان جنگ معمولاً نقاط ضعف این سلاح‌ها را به کشور حریف می‌فروشد و باعث مشکلات جبران‌ناپذیری می‌گردند.

بنابراین می‌توان گفت استفاده فناوری‌های جدید بومی به ویژه استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات در جنگ نامتقارن می‌تواند اثربخشی این راهبرد را افزایش دهد.

## ۲- ایجاد (مؤلفه‌های) نرم افزاری

### - ساختار اجتماعی

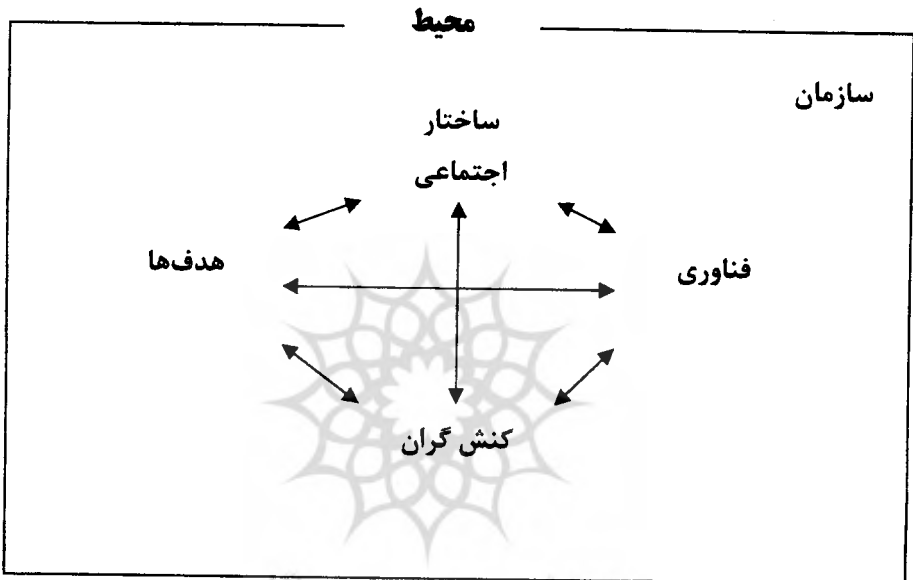
ساختار اجتماعی به روابط میان عناصر اجتماعی؛ نظیر افراد، پست‌ها و واحدهای سازمانی که متعلق به آنها هستند (دپارتمان‌ها و بخش‌ها) اشاره دارد (هیچ، ۲۰۰۶)؛ به عبارت دیگر به آن دسته از روابط کنش‌گران سازمانی که از نظام، چارچوب و شکلی مشخص پیروی کند یا تابع منطق خاصی باشد «ساختار اجتماعی» اطلاق می‌شود.

به اعتقاد کینگزلی دیویس، ساختار اجتماعی هر گروه انسانی را می‌توان از نظر تحلیلی به دو جزء تقسیم کرد: جزء نخست «نظام هنجاری» نامیده می‌شود که عناصری همچون ارزش‌ها، هنجارها و انتظارات مربوط به نقش را در بر می‌گیرد. ارزش‌ها، هنجارها و نقش‌ها در گروه اجتماعی به طور پراکنده به وجود نمی‌آیند؛ آنها به تدریجی سازمان می‌یابند که مجموعه‌ای از باورها و دستورالعمل‌های نسبتاً بدون تناقض و هماهنگ را بر رفتار کنش‌گران حاکم می‌سازند.

دومین عنصر از عناصر ساختار اجتماعی، نظام واقعی یا «ساختار رفتاری» نامیده می‌شود. این عنصر با دستورالعمل‌هایی که به منظور قرار گرفتن رفتارها در قالب‌هایی

خاص صادر می‌شود سر و کاری ندارد و به رفتارهای واقعی می‌پردازد. رابطه ساختار اجتماعی با سایر عوامل در نمودار ۲ نشان داده شده است (رحمان سرشت، ۱۳۸۶).

نمودار ۲- رابطه ساختار اجتماعی با سایر عوامل سازمانی



#### - استراتژی جنگ نامتقارن و نیروی انسانی

مؤلفه‌های ساختار، فناوری و فرهنگ سازمانی از ابعاد کلان سازمان بوده اما مؤلفه‌های نیروی انسانی و رهبری از ابعاد خرد سازمان هستند. در این بخش نیروی انسانی از ابعاد خرد سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤال اینجاست که برای موفقیت بیشتر یا اثربخشی بیشتر استراتژی جنگ نامتقارن،

کارکنان نظامی (نیروی انسانی) باید دارای چه توانمندی‌ها و قابلیت‌هایی باشند؟

عامل انسانی به عنوان نیروی متفکر، طراح و سازنده نظام‌های عملیاتی و سایر منابع

سازمان جایگاهی اساسی و راهبردی در توفیق و پیشرفت سازمان‌ها و به خصوص

نیروهای مسلح دارد؛ می‌توان گفت توسعه سرمایه انسانی نیروهای مسلح، ضرورتی اجتناب ناپذیر برای پویا شدن اثربخش آن در تلاطم‌ها و تهدیدات محیطی و مقابله با بی‌اطمینانی ناشی از آن است. (عباس زادگان، ترک‌زاده، ۱۳۸۳)

یکی دیگر از ارکان مهم برای انجام عملیات نامتقارن بهره‌گیری از عنصر و عوامل انسانی است که می‌تواند اهداف مهمی را در کشور هدف مورد اصابت قرار دهند. نیروی انسانی برای ورود به جنگ آینده باید از مهارت‌های عملیاتی و تاکتیکی لازم در زمینه‌های مختلف نظامی برخوردار باشد. ایجاد چنین توانایی‌هایی در نیروی انسانی از طریق توجه کردن به نیازهای جسمانی (رفاه، خانواده، روحیه، معنویت، امنیت و...); نیازهای آموزشی (انفرادی، جمعی، ویژه و...) و استفاده از تجارب گذشته امکان‌پذیر خواهد بود. در واقع آموزش نیروی انسانی باید مکمل یک فلسفه عملیاتی بوده و با تأکید بر عدم قطعیت باشد. دکترین آموزشی باید بر سربازان و رهبران، نظامی به وسیله قرار دادن در شرایط ناشناخته و مجبور کردن به تفکر خلاق، آنها را تحت فشار قرار دهد.

نیروی انسانی تعریف شده برای اجرای نبردهای نامتقارن باید دارای ویژگی‌ها و قابلیت‌های منحصر به فردی باشد که در نیروهای مسلح امروز نظیر آن را کمتر می‌توان یافت. این عوامل انسانی به عنوان نیروهای با قابلیت‌های چندگانه یا چند منظوره شناخته می‌شوند و می‌توانند دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- خودکفا بودن در تصمیم‌گیری در مواقع لزوم؛
- داشتن توان جسمی بالا برای مقابله با سختی‌ها بنا به مقتضیات زمانی و مکانی؛
- برخورداری از روحیه تکاوری برای بهره‌گیری از فرصت‌ها در شرایط مختلف رزمی؛
- ایمان به هدف تا سرحد تسلیم جان و تحمل هر سختی و ناکامی؛
- وظیفه‌مداری و تکلیف‌گرا به جای هدف‌محوری و نتیجه‌گرایی؛

- قابلیت حداکثر بهره‌گیری از منطقه عملیاتی؛
- قابلیت بر عهده گرفتن نقش‌های متعدد و متفاوت؛
- برخورداری از هوش، خلاقیت و انعطاف‌پذیری در به کارگیری از امکانات ساده و در دسترس؛

- قدرت تصمیم‌سازی با حالت عدم قطعیت در مواجهه با دشمن باهوش؛
- درک صحیح از ابزارهای تخریب اراده و میل جنگجویی در فضای مبهم و آشفته عملیات روانی دشمن. (حیبی، ۱۳۸۶)

همان‌طور که اشاره شد، داشتن روحیه یکی از اساسی‌ترین عوامل افزایش موفقیت جنگ نامتقارن است. روحیه یکی از مهمترین موضوعات انسانی برای نیل به موفقیت در هر زمینه‌ای، به ویژه عملیات نظامی (به خصوص جنگ نامتقارن) است. روحیه بالا کیفیتی است که یگان‌های نظامی را در برخورد با بدترین شرایط موفق می‌سازد. روحیه امری معنوی و مرکب از فداکاری، شهامت، اعتقاد و میل به حفظ شخصیت و حیثیت است. (بشری، ۱۳۸۱)

از جمله عواملی که سبب تقویت روحیه نیروها مسلح می‌شود عبارتند از: ایمان، امدادهای غیبی، امیدبخشی و اطمینان، تحریک احساسات، مانور و تشویق. (مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۷)

روحیه بی‌شک با ایدئولوژی ارتباط دارد و متأثر از آن است. برتراند راسل در این زمینه می‌نویسد: «ارتش‌ها بی‌فایده‌اند مگر آنکه سربازان به امری که می‌جنگند، باور داشته باشند. باور دینی غالباً نیرومندتر از دولت از آب درآمده است». (بشری، ۱۳۸۱)

ما انسان‌های مؤمن، جنگ دیده، شهادت‌طلب و ایثارگر با عشق و علاقه، برترین ایدئولوژی را داریم. بنابراین همه امکانات برای این مؤلفه‌های قدرت در کشور ما فراهم است و ما باید همواره از این مؤلفه‌ها استفاده کنیم و برای دفاع آماده باشیم، هر چقدر بیشتر آماده باشیم قدرت بازدارندگی ما بیشتر است.

### - راهبرد جنگ نامتقارن و فرماندهی (رهبری و مدیریت)

در این بخش نیز فرماندهی و رهبری از ابعاد خرد سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤال اینجاست که برای موفقیت بیشتر یا اثربخشی بیشتر راهبرد جنگ نامتقارن فرماندهان یا مدیران نظامی باید دارای چه ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی باشند؟

مدیریت فرایندی مشتمل بر تعدادی فعالیت و تکلیف است که می‌بایست اجرا و تکمیل شود: برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل. اساس مدیریت به کار بردن این فعالیت‌ها است (بدوی، ۱۳۷۹). مدیر شخصی است که برای یک سازمان کار می‌کند و اصول مدیریت را به اجرا می‌گذارد. همچنین مسئول تصمیم‌گیری، حل مشکلات و کار حداقل یک نفر دیگر است که باید به او گزارش دهد. اگر مدیر وظیفه خود را به شیوه‌ای عالی انجام دهد، سازمان می‌تواند به هدف‌های خود دست یابد. به عبارت دیگر عملکرد مدیریت است که باعث می‌شود سازمان بتواند (یا نتواند) به اهداف خود برسد (استونر و همکاران، ۱۹۹۵).

فرماندهی، هنر و توانایی نفوذ و هدایت به سوی اهداف است، به گونه‌ای که اعتماد، اطاعت، حس احترام و همکاری صمیمانه آنها به دست آید (رشید زاده، ۱۳۸۳). مدیران برای انجام وظایف و نقش‌هایشان نیازمند شایستگی‌ها و توانمندی‌های خاص هستند که «مهارت‌های چندگانه» مدیریت نام دارد. این مهارت‌ها عبارتند از: مهارت‌های فنی/تکنیکی، مهارت‌های انسانی، مهارت‌های ادراکی، مهارت‌های تجزیه و تحلیل و حل مسأله (گریفین، ۱۳۸۳). از دیگر مهارت‌های مورد نیاز مدیران در قرن بیست و یکم، مهارت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات و ارتباطات است. همچنین مهارت‌های مکتبی (عقیدتی- سیاسی) و مهارت‌های امنیتی (حفاظت اطلاعات) از مهارت‌های اساسی مدیران و فرماندهان نظامی کشور ما می‌باشند.

در تحقیقی ویژگی‌های فرماندهان آینده یک نظام ارزشی و الهی در قالب هفت تعامل آورده شده است: ارتباط فرمانده با خدا، خودش، فرماندهان رده بالا، همکاران همتراز، همکاران زیر دست، مأموریت ذاتی سازمان و دشمن. (شمس احمر، ۱۳۸۳)

شاخص‌های حرفه‌گرایی فرماندهی نظامی به صورت کاربردی چنین معرفی می‌گردد: فرماندهی معادل عمل خالصانه و آگاهانه به مسئولیت‌های و ابراز لیاقت در ایفای نقش‌های مشروع در جهت تحقق مأموریت‌های سازمانی است که در فرهنگ اسلامی با مفاهیم عمیق قرآنی و روایی معرفی می‌گردد. برخی از آن مفاهیم که معرف ویژگی‌های فرماندهان حرفه‌ای در ج. ا. است عبارتند از: اسلامی بودن، ولایی بودن، مردمی بودن، اقتدار، ایمان، بصیرت و دشمن‌شناسی، پا در رکاب بودن، صابر و سخت‌کوش، دشمن‌ستیز شجاع و شهادت طلب و... به این ترتیب فرماندهان آینده با این ویژگی‌ها می‌توانند کارا و اثربخش باشند. در این راستا با تأکید بر گرایش حرفه‌ای برخی از مهمترین ویژگی‌ها در قالب چهار شاخص اصلی و ابعاد و مفاهیم وابسته در جدول ۲ به اختصار ارائه شده است. (رشیدزاده، ۱۳۸۳)

جدول ۲- ویژگی‌های اصلی فرماندهان آینده

ویژگی‌های اصلی			
ابعاد و ویژگی‌های وابسته	ابعاد تخصصی	اراستقلال عمل	تعمود
<ul style="list-style-type: none"> <li>- انضباط، روحیه و اطاعت پذیری</li> <li>- پایبندی به ارزش‌های اخلاقی اسلامی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- به کارگیری منابع اصلی و عمده تولید قدرت ظلم</li> <li>- تفکر</li> <li>- خلاقیت و نوآوری</li> <li>- فناوری دفاعی</li> <li>- ارتباط و کنترل</li> <li>- سرعت و چالاکی</li> <li>- حفاظت اطلاعات</li> <li>- توان جنگ شهری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- روحیه انقلابی</li> <li>- بصیرت سیاسی</li> <li>- عزت نفس</li> <li>- نظام فرماندهی</li> <li>- تصمیم‌گیری</li> <li>- تعهد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- احساس مسئولیت</li> <li>- عدالت محوری و ظلم ستیزی</li> <li>- قسط خواهی</li> <li>- خدا ترسی</li> <li>- توسعه خیر</li> <li>- اکتفا به حداقل استفاده از امکانات سازمانی</li> <li>- محبت با کارکنان و تجسس نکردن در زندگی خصوصی آنان</li> <li>- اهتمام به امور کارکنان</li> <li>- پرهیز از پیمان شکنی، فریبکاری و خیانت</li> <li>- شجاعت و شهادت</li> <li>- جهت‌گیری انحروی</li> <li>- اراده مقاومت</li> </ul>



بنابراین می‌توان گفت که طراحی و اجرای راهبرد جنگ نامتقارن مستلزم داشتن مهارت‌ها و شایستگی‌های فنی، انسانی، ادراکی، تجزیه و تحلیل و حل مسأله، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مکتبی و امنیتی فرماندهان جمهوری اسلامی ایران اسلامی است.

### - استراتژی جنگ نامتقارن و فرهنگ سازمانی

سؤال اینجاست که برای موفقیت بیشتر یا اثربخشی بیشتر استراتژی جنگ نامتقارن چه فرهنگ سازمانی باید بر سازمان‌های نظامی حاکم باشد؟

امروزه سازمان‌ها در محیط متلاطم و طوفانی تغییر، به حیات سازمانی خود ادامه داده و برای تحقق بخشیدن به رسالت‌های خویش، ناچار به تحول و همگون‌سازی ساختار و فرآیندهای خود با نیازهای محیطی می‌باشند. برای تنظیم مؤثر و آگاهانه فرآیند تغییر، قبل از تغییر بنیادی در بینش‌ها و تحول در سطوح فردی، گروهی و سازمانی به تغییر در شیوه زندگی (فرهنگ یا جو) حاکم بر سازمان می‌پردازند. قبل از هر تحولی باید فرهنگ سازمان خود را شناسایی و بررسی نمایند (ابن رسول، ۱۳۸۳). فرهنگ سازمانی، الگویی از مفروضات اساسی است که توسط گروه معینی کشف و اختراع شده یا توسعه یافته است، به طوری که انطباق با محیط خارجی و انسجام درونی را به آنها می‌آموزد، اگر این الگو در طی زمان کارایی خوبی داشته باشد، اعتبار می‌یابد به طوری که آن شیوه صحیح ادراکی، اندیشه و احساس اعضای جدید درباره مشکلاتشان را شکل می‌دهد (کاویانی ۱۳۸۳). می‌توان گفت، فرهنگ سازمان مجموعه باورهای مشترک در یک سازمان است. هر چه باورهای مشترک ژرف‌تر و منسجم‌تر باشند فرهنگ قوی‌تر است و هر چه باورها متفاوت و وجه اشتراک آنها کمتر باشد، فرهنگ سازمان ضعیف‌تر خواهد بود.

جفری سانی فیلد در یک تقسیم‌بندی دیگر سازمان‌ها را از لحاظ فرهنگ به چهار دسته طبقه‌بندی نموده است و ویژگی‌های سازمان‌ها با هر یک از فرهنگ‌های چهارگانه را به شرح زیر توصیف کرده است:

### سازمان‌های با فرهنگ علمی

تأکید این نوع سازمان‌ها بر استخدام افراد جوان با تمایل به یادگیری، پرورش دادن آنها و تقویت شخصیت علمی و تخصصی آنهاست.

### سازمان‌های با فرهنگ باشگاهی

تأکید این سازمان‌ها بر تناسب داشتن روحیه افراد به وفاداری و تعهد نسبت به سازمان است. در فرهنگ باشگاهی، ارشدیت، سن و سنوات خدمت در سازمان، معیار عمده اهمیت و ارزش افراد است.

### سازمان‌های با فرهنگ تیمی

در این نوع سازمان‌ها تأکید بر نوآفرینی، ریسک‌پذیری و آزادی عمل است.

### سازمان‌های با فرهنگ دژ نظامی

بر عکس فرهنگ تیمی که به اختراع، نوآفرینی و اکتشافات ارجح می‌نهد، فرهنگ دژ نظامی بر حفظ و بقای سازمان تأکید دارد، در فرهنگ دژ نظامی امنیت شغلی حائز اهمیت زیادی است.

در هر سازمان یک فرهنگ غالب وجود داشته و برحسب ماهیت کار، زیرمجموعه‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت شکل می‌گیرد که مبنای تفاوت آنها، تخصص، فناوری، منطقه جغرافیایی و نظیر اینهاست. (کاوای، ۱۳۸۳)

با نگرش کلی‌تر به مفهوم فرهنگ، فرهنگ‌های سازمانی را می‌توان در چهار نوع فراگیر تقسیم‌بندی کرد که اکثر قریب به اتفاق سازمان‌ها را شامل می‌شود، به ویژه اینکه

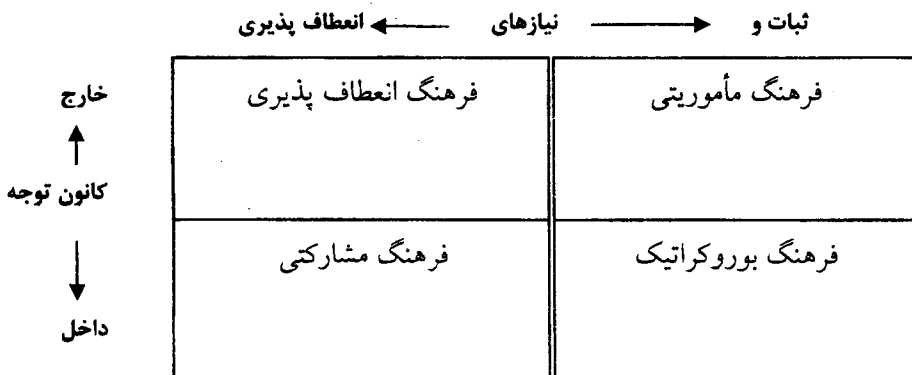
بر اساس تحقیقات انجام شده در خصوص فرهنگ سازمانی و اثر بخشی نتایج به دست آمده حاکی از رابطه مناسب بین راهبرد، محیط و فرهنگ، مؤید این تقسیم بندی است، که آن نیز به دو عامل مهم بستگی دارد: نخست میزانی که محیط رقابتی باید تغییر کند یا ثابت بماند؛ دوم میزانی که توجه سازمان به امور داخلی و یا خارجی معطوف گردد. این چهار گروه عمده عبارتند از: انعطاف پذیری، مشارکتی، مأموریتی و تداوم رویه در رفتارها که در نمودار ۳، شمای کلی آن ترسیم گردیده است. (هال، ۱۳۷۶)

بنابراین می توان گفت که اثربخشی استراتژی جنگ نامتقارن مستلزم داشتن فرهنگ سازمانی پویا و منعطف و یا تیمی است که تشویق کننده و ترغیب کننده خلاقیت و نوآوری نیز می باشد.

#### – استراتژی جنگ نامتقارن و محیط

بقا و حیات سازمان ها به انطباق آنها با تغییرات شدید محیطی وابستگی تام دارد. تمام عواملی که در خارج از مرز سازمان وجود دارند و بر تمام یا بخشی از سازمان اثرات بالقوه می گذارند، محیط نامیده می شوند. دو بعد اساسی محیط، تغییرات محیطی و پیچیدگی محیطی است. (دفت، ۲۰۰۱)

نمودار ۳- رابطه محیط و راهبرد با فرهنگ سازمانی



در جنگ نامتقارن، پیچیدگی صحنه نبرد و عدم برآورد صحیح در خصوص نتایج درگیری و نامشخص بودن زمان و مکان عملیات به دلیل اقتضایی بودن و وابستگی شدید جنگ نامتقارن به شرایط و اوضاع محیطی، هدایت جنگ را به صورت کلاسیک و از پیش تعیین شده با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند. (حبیبی، ۱۳۸۶) کارل ون کلوزویتز، نظریه‌پرداز ارتش آلمان، عدم قطعیت را شالوده و اساس جنگ می‌داند (نشریه ارتش آمریکا، ۲۰۰۳).

#### - استفاده از عوارض زمین در نبرد نامتقارن

تأثیر عوامل جغرافیایی و به عبارتی عامل ژئوپولیتیکی در تحلیل‌های نظامی، متناسب با پیشرفت و رشد دانش و فناوری‌های جغرافیایی نه تنها افزایش یافته بلکه امروزه این عامل از اصلی‌ترین متغیرهای اثرگذار بر تصمیم‌های نظامی است. در گذشته از این متغیر بیشتر در اجرای عملیات‌های نظامی استفاده می‌شد، اما در حال حاضر، از متغیر جغرافیا در طرح‌ها، انتخاب مناطق نبرد، نحوه ادامه نبرد و... استفاده می‌شود و حوزه کاربردی آن در مسایل نظامی افزایش چشمگیری یافته است. (حبیبی، ۱۳۸۶)

وقتی که نیروی کوچکتر می‌خواهد مانع نیروی بزرگتر شود، عوارض زمین می‌تواند نیروی کوچک را چند برابر کند. این چنین عوارضی را «عوارض سخت» می‌نامند. (دریابار، ۱۳۸۷)

آیا پستی و بلندی‌های زمین می‌تواند به ارتش کمک کند؟ برای مثال، در تاکتیک همواره به جنگ‌های پارتیزانی استناد می‌کنند که اغلب توسط طرف ضعیف‌تر به عنوان نبرد نامتقارن استفاده می‌شود. هر دو طرف درگیر، ممکن است به یک جمعیت دوستانه تکیه کنند تا آذوقه و اطلاعات و عوارض سخت برای پوشش و فرار به دست آورند. جمعیت و عوارض زمین، اغلب برای نیروهای محلی شناخته شده هستند. آنها از جمعیت و عوارض زمین برای مقابله با ارتش‌های متعارف استفاده می‌کند و نیروهایشان را برای عملیات‌هایشان بدین طریق تغذیه می‌کنند. استفاده از تاکتیک‌های نامتقارن

توسط نیروهای خارجی اغلب به عملیات شناسایی گسترده نیاز دارد تا بتوانند از مشخصات عوارض زمینی آگاه شوند؛ برای مثال می‌توان به نبرد سرویس ویژه هوآبرد بریتانیا در دهه پنجاه، در منطقه مالایا اشاره کرد. تیم‌های کوچک سرویس ویژه هوآبرد بدون پشتیبانی نیروهای متعارف وارد جنگل‌های انبوه منطقه مالایا می‌شدند و با تقلید از شیوه زندگی چریک‌های کمونیست در جنگل به شکار آنها می‌پرداختند. آنها مانند نیروهای متعارف نظامی به خطوط مواصلاتی، سلسله فرماندهی عالی خارج از میدان و دیگر ملزومات نبردهای متعارف وابسته نبودند. (دریابار، ۱۳۸۷)

نیروی کمتر، اغلب در سرزمین‌هایی مانند نواحی کوهستانی و جنگلی که دارای پوشش و اختفای زیادی است عملیات می‌کنند. این تاکتیک بر علیه نیروهای بزرگ نسبتاً بی‌تحرک در این‌گونه عوارض، باعث برتری می‌شود. نمونه این جنگ را می‌توان در انقلاب کوبا دید که با یاری دهقانان و در پوشش جنگلی کوبا به دست آمد. در نواحی شهری آنها می‌توانند خود را در میان جمعیت پنهان کنند و این امر اغلب بستگی به پایگاه‌های تدارکاتی که مردم برایشان تهیه می‌کنند دارد. (دریابار، ۱۳۸۷)

اتکا بر زمینه‌های جغرافیایی در راهبرد نبرد نامتقارن، متکی بر اصول زیر است:

- استفاده حداکثر از جغرافیای طبیعی با شناخت ویژگی‌های منطقه عملیات؛

- توسعه جنگ به حوزه‌های جغرافیایی نامطلوب برای دشمن؛

- آفند و پدافند متحرک نقطه‌ای به جای منطقه محوری ثابت؛

- استفاده حداکثر از پدافند غیرعامل در مناطق عملیاتی با جغرافیایی؛

- پدافندی مطلوب؛

- عنصر زمان. (حیبی، ۱۳۸۶)

بنابراین می‌توان گفت شناخت زمینه‌های جغرافیایی یا جغرافیای طبیعی کشور

می‌تواند باعث افزایش اثربخشی و موفقیت راهبرد جنگ نامتقارن شود.

## رسانه‌ها و استراتژی جنگ نامتقارن

اسب تراوا روزگاری شاهکار نقشه‌های جنگی بود. جنگجویان یونانی درون آن پنهان شدند تا پس از آنکه اسب چوبی به عنوان غنیمت به دست نیروهای حامی شهر به درون قلعه تراوا برده شد، شبانه به دشمن حمله کرده و شهر را فتح کنند. امروزه در اسب تراوا جنگجویان مسلح قرار ندارند بلکه تراوا، اسب نامرئی است که داخل آن اطلاعات تحریف شده، شایعات و... قرار دارد و طراحان جنگ‌های روانی نوین، اسب تراوا را نه به کاخ بلکه به درون مغز راهبران و مسئولان می‌فرستند و حتی به افکار عمومی دیگر اقشار جامعه نیز کاری ندارند. آنچه در جنگ‌های نوین مدنظر است تصرف ارضی، کنترل نظامی و کشور گشایی نیست. آنچه امروزه متخصصان جنگ‌های نوین روانی به آن توجه می‌کنند، کنترل و برنامه‌ریزی ذهن و در مجموع تصرف ۱۵ سانتیمتر میان دو گوش راهبران و مقامات ارشد است.

در این نوع از عملیات روانی، مقامات ارشد و تصمیم‌گیران تراز اول هدف قرار می‌گیرند. این شگرد جدید، «مدیریت برداشت»<sup>۱</sup> نام گرفته است. الن دالس، رئیس پیشین سیا، روزی گفته بود: «چنانچه از بمب شیمیایی استفاده شود، حداکثر می‌توان مردم یک محله، شهر یا یک کشور را کشت یا مسموم کرد، اما اگر دروغی، خوب ساخته و پرداخته شود می‌تواند نه فقط مردم یک روستا، شهر یا یک کشور را بلکه مردم یک قاره یا حتی جهان را مسموم کرد».

بسیاری از رهبران دنیا روزانه به صورت مستمر اقدام به تماشای تلویزیون یا خواندن مطبوعات می‌کنند. در زندگی جمعی امروز و به‌ویژه پس از روند جهانی شدن، «رسانه‌ها» نقش به سزا و بزرگی در تصویرسازی و ایجاد جریان‌ات فکری دارند. امروزه این رسانه‌ها هستند که با پوشش‌های خبری و هنجارسازی مشغول شکل‌دهی به معانی

و مناسبات هستند. رسانه می‌تواند با یک مهندسی تدریجی و برنامه‌ریزی شده «خلاقیت» را در یک ملت بمیراند یا احیا کند.

رسانه می‌تواند موجب تکوین تدریجی یک اندیشه و یا تزریق تدریجی یک ارزش شود. رسانه می‌تواند موجب ایجاد یک مفهوم و شالوده شکنی مفهوم دیگر شود و این موضوع هشدار است با این مفهوم: «هرچه می‌شنوید باور نکنید». همیشه رسانه‌ها افکار درست را ارائه نمی‌دهند و یا از جریان‌های فکری صحیح حمایت نمی‌کنند. (علیزاده و کاظمی، ۱۳۸۳)

بسیاری از دیپلمات‌ها معتقدند، اگر شبکه‌های تلویزیونی که آنان را از اخبار روز مطلع می‌سازند برای یک لحظه در اتاقشان خاموش شود، احساس تنهایی می‌کنند. برخی چنین می‌اندیشند که پیش از رفتن به سر میز مذاکره بایستی یک بولتن خبری را ببینند تا فضای مذاکره دستشان بیاید. نحوه برخورد شبکه‌های تلویزیونی فرامی‌تواند با تصمیم‌گیری رهبران به ملاکی برای درستی یا نادرستی آن تبدیل شده است. بسیاری از سیاستمداران برجسته بین‌المللی پس از هر نشست یا سخنرانی، پای تلویزیون می‌نشینند تا بازتاب آن را ببینند. هنگام برنامه نیز به صورت مستمر چنان رفتار می‌کنند تا هنگام پخش از تلویزیون جذاب‌تر باشد. این موضوع را دست اندرکاران رسانه‌ها می‌دانند و از این رو «مدیریت برداشت» با وجود پیچیدگی‌هایش برای معماران آن، چندان سخت نیست.

فرآیند نبرد در قرن بیست و یکم، به آرامی در حال تغییر است. جنگ افکار، بر جنگ ابزار غلبه یافته است. عرصه نبرد از سنگرها به رسانه‌ها کشیده شده است. صفحه تلویزیون کانون معرکه جنگ پاک شده است.

جنگجویان این عصر بدون روادید و فارغ از هر دلهره، مرزهای ملی را در هم می‌نوردند. در این جنگ روانی، هدف تجاوز به اذهان و تضعیف قدرت تفکر تصمیم‌گیرندگان و افراد کلیدی است؛ به طوری که مرکز کنترل، پیام و تصمیم‌گیری را مختل

می‌سازد. این نوع جنگ، در واقع جنگ علیه عقل حریف است، نه به منظور دربند کشیدن او، به طوری که دست و پا و تمام اجزای بدن آن سالم است ولی تنها سر حریف به باد می‌رود. (علیزاده و کاظمی، ۱۳۸۳)

بنابراین می‌توان گفت استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل رسانه‌های خبری جهت بازتاب موفقیت‌های نیروهای خودی در عملیات جنگ نامتقارن اثربخشی و موفقیت جنگ متقارن را افزایش می‌دهد.

#### نتیجه

الگوی تهدیدات جنگ سرد و الگوی اطلاعات جنگ سرد هر دو منسوخ شده‌اند. تلفیقی جدیدی برای نیل به مزیت نامتقارن در مواجهه با تهدیدات غیرمتعارف و غیر سنتی برای مقابله با منابع و روش‌های تهدیدات سنتی و هم‌غیرسنتی ضروری است. (استیل، ۲۰۰۲)

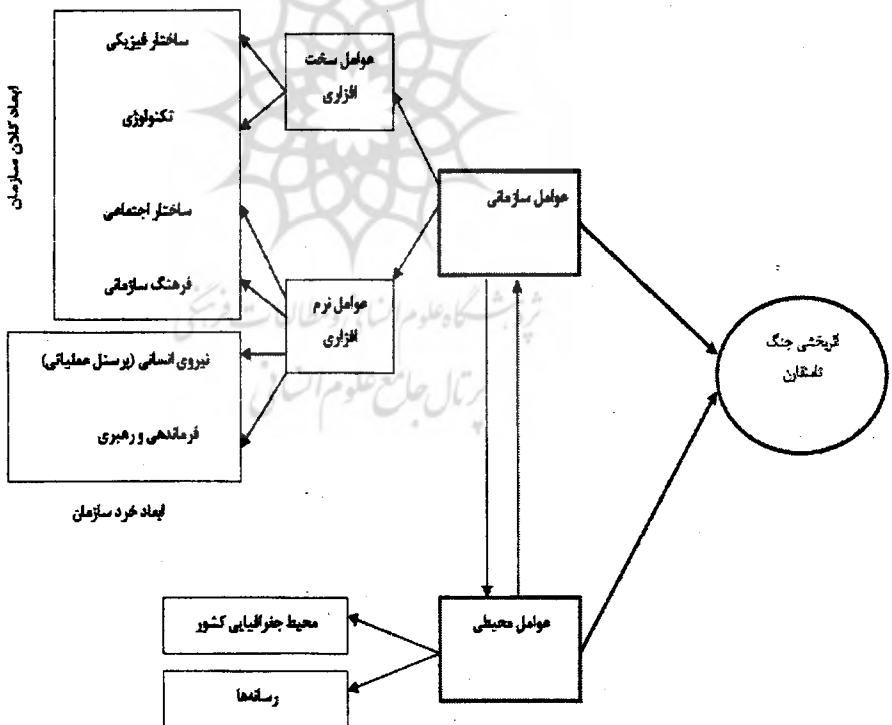
با عنایت به اینکه نبرد ما با دشمنان فرامنطقه‌ای (به ویژه آمریکا و اسرائیل) در آینده به طور قطع، نبرد نامتقارن خواهد بود، ضروری است مفهوم استراتژی جنگ نامتقارن و عوامل مؤثر بر اثربخشی و موفقیت استراتژی جنگ نامتقارن مورد بررسی قرار گیرد که این تحقیق به این مورد پرداخت.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به طور کلی دو دسته عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی استراتژی جنگ نامتقارن وجود دارند: عوامل سازمانی که خود به دو دسته عوامل سخت افزاری و عوامل نرم‌افزاری تقسیم می‌شوند. عوامل محیطی که خود شامل بهره‌گیری از جغرافیای طبیعی و رسانه‌های تبلیغاتی می‌شود. عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی راهبردی جنگ نامتقارن را در قالب یک مدل مفهومی در نمودار ۴ نشان داده شده است.



البته باید اعتراف کرد که در جنگ نامتقارن، پیچیدگی صحنه نبرد، عدم برآورد صحیح در خصوص نتایج درگیری، نامشخص بودن زمان و مکان عملیات به دلیل اقتضایی بودن و وابستگی شدید جنگ نامتقارن به شرایط و اوضاع محیطی، هدایت جنگ را به صورت کلاسیک و از پیش تعیین شده با مشکلات جدی روبرو می‌کند. به همین دلیل باید کلیه عوامل ستادی و اجرایی نیروهای مسلح کشور پیرامون اتخاذ روش‌ها و رویکردهای متنوع و سازگار با شرایط موجود گام‌های اساسی و درخور بردارند. (حبیبی، ۱۳۸۶)

نمودار ۴- عوامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی استراتژی جنگ نامتقارن



## منابع و مأخذ

- ۱- الوانی، سید مهدی، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۲- احمدوند، علی و جعفر، ترکزاده، رویکرد راهبردی به آموزش نیروهای مسلح، مجموعه مقالات، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳- اعرابی، سید محمد، جزوه دوره دکتری فلسفه تئوری‌های مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- ۴- جو هج، ماری، تئوری سازمان، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران، نشر افکار، ۱۳۸۵.
- ۵- جیمز، کوین و همکاران، مدیریت استراتژیک، ترجمه محمد صائبی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۳.
- ۶- روزنامه جام جم، منازعات نامتقارن پاشنه آشیل ارتش‌های مدرن است، ۸۶/۸/۲۸.
- ۷- جمهور، علیزاده و پدram، کاظمی، تصرف پانزده سانتیمتری، سایت باشگاه اندیشه، به نقل از فصلنامه تفکر متعالی، شماره ۱۰، ۱۳۸۷.
- ۸- حبیبی، نیک‌بخش، مقدمه‌ای بر تدوین راهبرد نظامی در عصر اطلاعات، فصلنامه اندیشه‌های راهبردی، تابستان ۱۳۸۶.
- ۹- حبیبی، نیک‌بخش، مفهوم‌شناسی نگرش نبرد نامتقارن، انتشارات دانشگاه هوایی شهید ستاری، ۱۳۸۶.
- ۱۰- خلیل، طارق، مدیریت فناوری، ترجمه سید محمد اعرابی و داوود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۱۱- خیراندیش، مهدی، تبیین عوامل ساختاری در اقتصاد دانش محور (یک مطالعه موردی)، همایش منطقه‌ای تازه‌های مدیریت و اقتصاد، آستارا، اسفند ماه ۱۳۸۵.
- ۱۲- دانش آشتیانی، محمد باقر، چگونگی طراحی ساختار سازمانی و تعیین اقلام عمده دفاعی نیروهای مسلح در فرایند نظام مدیریت استراتژیک دفاعی امنیتی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱۰، پاییز ۱۳۸۰.
- ۱۳- دفت، ریچارد ال، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- دهقان، نبی‌الله، کارگاه مدیریت استراتژیک یکپارچه، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، ۱۳۸۵.
- ۱۵- دهقان، نبی‌الله، گونه‌شناسی استراتژی‌های مدیریت دانش، پنجمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، مجموعه مقالات، ۱۳۸۶.

- ۱۶- رایبیز، استفن پی، تئوری سازمان، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی فرد، انتشارات صفار، ۱۳۸۱.
- ۱۷- رحمان سرشبت، حسین، تئوری‌های سازمان و مدیریت، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۶.
- ۱۸- رشید زاده، فتح الله، ویژگی‌های فرماندهان آینده، مجموعه مقالات، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۹- رستمی، محمود، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، ستاد مشترک آجا، ۱۳۷۸.
- ۲۰- سنگه، پیتر، رقص تغییر، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۵.
- ۲۱- سازمان برنامه و بودجه - مدیریت امور دفاعی، نظام طرح ریزی استراتژیکی و برنامه‌ریزی دفاعی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۲- شیخیان، علی و همکاران، نیروهای مسلح در وصیتنامه امام خمینی<sup>(ره)</sup>، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۷.
- ۲۳- شمس احمر، مهران، ویژگی‌های فرماندهان آینده، فصلنامه ره آورد مدیریت نظامی، سال پنجم، شماره ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
- ۲۴- فروهی، مهشید، ابعاد ساختاری در سازمان‌های دانش محور (ترجمه و تلخیص)، ماهنامه آموزشی تدبیر، شماره ۱۶۱، ۱۳۸۴.
- ۲۵- غفاریان، وفا و کیانی، غلامرضا، راهبرد اثربخش، نشر رسا، ۱۳۷۹.
- ۲۶- کاویانی، حسین، بررسی فرهنگ سازمانی، کار کلاسی دوره دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.
- ۲۷- مروتی شریف‌آبادی، علی، بررسی رابطه ساختار سازمانی و مدیریت دانش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۸- انقلاب اطلاعات و بخش دفاع، اندیشگاه شریف، ۲۰۰۴.
- ۲۹- علی، احمدی، علیرضا و همکاران، نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک، انتشارات تولید دانش، ۱۳۸۲.
- ۳۰- فرجام، هادی، تبیین ساختار دفاعی کشور، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار ۱۳۸۱.
- ۳۱- متفکر، حسین، جنگ روانی، نشر ستاد حوزه ولی فقیه، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳۲- مرادی، شعبان، تئوری سازمان - سازماندهی و اصلاح تشکیلات و روش‌ها، جزوه درسی کارشناسی، دانشگاه هوایی، تهران، ۱۳۸۳.

۳۳- هال، ریچارد اچ، سازمان، ساختار، فرایند و ره آوردها، ترجمه علی پارساییان و سید محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.

- 34- Steven Metz & Douglas V. Johnson, Asymmetry and U. S Military Strategy, Definition, Background, and Strategic Concept, January 2001
- 35- Colonel Clinton J. Ancker, Doctrine for Asymmetric Warfare, July -August 2003 | MILITARY REVIEW
- 36- SUCIL, Col. Valentin, Asymmetrical Warfare: Typology, Principles, Objectives, Romanian Military Thinking, 4/2007
- 37- Jim Caylor. Asymmetric Warfare. CAE USA Military Simulation & Training. 2006

